(مقالهٔ مروری)

چشم اندازهای اخلاقی عدالت زیست محیطی درکشاورزی ارگانیک و عملی

دکتر محمدباقر آرایش*

گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

چکیده

زمینه: عدالت زیست محیطی یک مفهوم چالش برانگیز در ارتباط با روند توسعه کشاورزی است به این دلیل که موقعیت منافع اجتماعی و زیست‌محیطی در تضاد با لیبرالیسم بازار و رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه محیط طبیعی، مشترک بین همه موجودات می‌باشد، عدالت زیست محیطی با مفهوم رعایت «انصاف» در مواجهه با محیط زیست مرتبط می‌باشد. کشاورزی ارگانیک یک موقعیت پیشرفته با توجه به عدالت زیست محیطی است، چرا که به برقراری راه‌های تعامل با محیط طبیعی کمک می‌کند. اما با این حال عدالت زیست محیطی هم چالش‌های قابل‌توجهی را با کشاورزی ارگانیک دارد. در این مطالعه به بررسی جایگاه عدالت زیست محیطی در چالش‌های جهانی کشاورزی ارگانیک با نگاه اخلاقی و عملی و نیز چگونگی همگرایی و مصالحه بین عدالت زیست محیطی و فعالیت‌های ارگانیک توجه شده است.

نتیجه‌گیری: کالایی گرایی عامه مردم، محیط خارجی و هزینه‌های اجتماعی سه چالش اساسی هستند که در بازارهای مصرف، تجارت از راه دور و نظام مالکیت غذایی ارگانیک به حساب آورده نمی‌شوند. ایده عدالت زیست محیطی را می‌توان از طریق اجرای کامل عدالت زیست محیطی در صدور استانداردهای گواهینامه‌های ارگانیک، توسعه تجارت عادلانه ارگانیک، تشویق کشاورزی بدون گواهینامه استاندارد به رعایت اصول ارگانیک به‌عنوان راهبرد جایگزین در نزد جوامع محلی و امنیت غذایی، بوسیله حمایت از کشاورزی ارگانیک به‌عنوان یک نمونه جایگزین جهت اجرای وسیع عدالت زیست محیطی در کشاورزی و جامعه با استفاده از کشاورزی ارگانیک ترویج نمود.

کلید واژگان: *کشاورزی ارگانیک، عدالت زیست محیطی، اخلاق*

سرآغاز

بحران جمعیت و محدودیت منابع، کشاورزی سنتی را به سوی کشاورزی صنعتی و تکنولوژیک سوق داده است. تأثیر نامطلوب و اثرات باقیمانده مصرف انواع کودهای شیمیایی، سموم و از این قبیل در تولیدات غذایی موجب شده است کشاورزی درجهتی متضاد با روش مدرن تحول یابد و فرهنگ جلوگیری از مصرف هرگونه مواد شیمیایی یا نهاده‌های مصنوع انسان در تولیدات و بخش محصولات زراعی، باغی، و دامی مد نظر قرار گیرد. این کشاورزی به کشاورزی ارگانیک موسوم است و در کشورهای مختلف به نام‌های گوناگون چون کشاورزی بیولوژیکی، کشاورزی پایدار، کشاورزی نوین، و کشاورزی با مصرف کم مواد شیمیایی نامیده شده است(1). همچنین، کشاورزی از نظر اخلاقی باید به‌گونه‌ای انجام شود که امکان استفاده نسل های آینده از محیط زیست و منابع طبیعی آن را به‌منظور تولید غذای کافی و سالم به خطر نیندازد(2). اخلاق کشاورزی و زیست بوم‌ها، یک حوزه بین رشته‌ای و در حال رشد در اخلاق کاربردی محسوب می‌شود که به ارزش‌ها و مسائل اخلاقی در کشاورزی و تولید غذا می‌پردازد و تلاش دارد تحلیل‌های اخلاق فلسفی را با چالش‌های برآمده از مسائل خاص نظام کشاورزی ادغام نماید(3).

کشاورزی ارگانیک[1] به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که با هدف کاهش مصرف نهاده های غیرطبیعی به اجرا درمی‌آید و به دنبال استفاده بهتر از منابع طبیعی بوده به طوری‌که به محیط آسیبی نرسانده و استفاده از کالاهای غیرقابل احیاء را که به

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: Arayesh @ ilam-iau.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

محیط زیست آسیب وارد می‌کنند و یا به کشاورزان و مصرف‌کنندگان صدمه می‌زنند را کاهش دهد(5و 4).

فدراسیون بین‌المللی جنبش کشاورزی ارگانیک[2]، هدف اصلی خویش را سازگاری جهانی با اصول کشاورزی ارگانیک در ابعاد زیست بوم‌ها، اقتصادی و اجتماعی بیان نموده است. اما در همان زمان، همانند جریان بخش کشاورزی، کشاورزی ارگانیک با روند رو به رشد جهانی شدن و چالش های توسعه پایدار مواجه بوده است. روند فعلی جریان بخش کشاورزی، جریان اصلی پیامدهایی برای ارزش های اجتماعی و زیست محیطی جوامع به‌دنبال خواهد داشت. رعایت ملاحظات و استانداردهای ارگانیک در مناطق مختلف، محیط امن و پایداری را برای آنها در زمینه‌های تنظیم کودها، آفت‌کش‌ها، مهندسی ژنتیک، افزودنی‌ها و رفاه حیوانات فراهم ساخته است(6).

اصل عدالت[3] می‌گوید که «کشاورزی ارگانیک باید برمبنای تضمین عدالت با توجه به محیط زیست مشترک برای انسان‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های زندگی یکسان برای انسان‌ها استوار شود». این اصل به مفهوم عدالت زیست محیطی اشاره می‌کند که موضوع مورد توجه دو دهه اخیر در زمینه بهره‌گیری عادلانه از منابع بوده است(9، 8 و7).

عدالت زیست محیطی[4] یک مفهوم چالش برانگیز است که ارتباط نزدیکی با توسعه کشاورزی ارگانیک دارد. به این معنا که علائق زیست محیطی و اجتماعی را در مقابل لیبرالیسم حاکم بر بازار و رشد اقتصادی قرار می‌دهد و ممکن است راه‌هایی برای مقاومت در برابر فشارهای جهانی شدن بازار و تحولات ساختاری و فن آورانه فعلی پیشنهاد نماید. مهم‌ترین سئوالاتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

معنا و مفهوم عدالت زیست محیطی چیست؟ چگونه این ایده در برابر فشارهای جهانی شدن مقاومت می‌کند؟ چگونه عدالت زیست محیطی در ارتباط با تولید و تجارت محصولات ارگانیک باید اجرا شود؟ و چگونه کشاورزی ارگانیک می‌تواند با عدالت زیست محیطی در یک چشم‌انداز جهانی مشارکت نماید؟

پایداری و کشاورزی ارگانیک:

تاکنون سه چشم انداز غالب از پایداری کشاورزی توسط گروه‌های مختلف با دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوت مورد استفاده قرار گرفته است(10). پایداری با عنوان «کفایت تغذیه[5]» با توجه به نرخ رشد جمعیت، درخصوص تأمین نیازهای غذایی بخش های مختلف جامعه صحبت می‌کند. کشاورزی به مثابه «نظارت[6]» رسالت ایجاد تعادل بین زیست بوم‌ها را در جریان تولید کشاورزی برعهده دارد. کشاورزی به‌عنوان «جامعه[7]» نگران به هم خوردن تعادل زیست بوم‌ها و در عین حال علاقمند به بهبود و ترقی فرهنگ منسجم روستایی است. در این تلقی از پایداری، توجه به تلاش‌های فرهنگی، درست به اندازه تولید علم، ارزش‌های نظارت، خوداتکایی[8]، انسانیت و تواضع[9] اهمیت دارد. در این قالب و برداشت از پایداری، می‌توانیم اشکال مختلف کشاورزی سنتی و کشاورزی مدرن ارگانیک که در درون جوامع شکل گرفته است را پیدا کنیم. فقط دو نوع برداشت و معنا از پایداری کشاورزی وجود دارد. کفایت منابع و یکپارچگی کارکردی[10]. کفایت منابع یک رویکرد «کمی‌گرایانه» است که بر چگونگی تحقق نیازهای حال و آینده بشر برای مواد غذایی و نیز چگونگی اندازه‌گیری و محاسبه بهره‌برداری از منابع کنونی و نیازهای آیندگان برمبنای روابط میان نهاده‌ها و ستاده‌های سیستم متمرکز می‌باشد. در این دیدگاه محیط زیست و طبیعت جدای از انسان‌ها و جوامع در نظر گرفته شده‌اند(11).

اما در دیدگاه یکپارچگی کارکردی، انسان‌ها به‌عنوان جزء لاینفک طبیعت و محیط زیست تلقی می‌شوند(12). در قالب این دیدگاه، انسان‌ها و اشکال طبیعی سامانه‌های اجتماعی و زیست محیطی نظیر خاک، دام، گیاه، زیست بوم، ارزش های فرهنگی و سازمان های فرهنگی باید بازآفرینی شوند. در رابطه با عدالت زیست محیطی، یکپارچگی عملکردی، کارکرد سیستم را به عنوان یک کل در نظر می‌گیرد، در حالی که عدالت زیست محیطی مربوط به افراد در سیستم و ارتباط آنها با سیستم می‌باشد(13).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

عدالت زیست محیطی بعنوان یک مفهوم اخلاقی

واژه اخلاق به‌معنای اقتدار رسوم و سنت و باورداشت های فرهنگی فرد است(14). واژه عدالت زیست محیطی، دامنه وسیعی از اخلاق زیست‌محیطی از قبیل برقراری عدالت میان انسان‌ها و حفظ طبیعت و همچنین نسل فعلی و آینده را در برمی‌گیرد. عدالت محیطی به توزیع عادلانه محیط خوب و بد برای انسان‌ها اشاره می‌کند(15). اخلاق محیطی و زیست محیطی در قالب اخلاق زیست محیطی قرار می‌گیرند که توسعه و ترویج اخلاق را فراتر از انسان‌ها می‌داند(16).

با توجه به اخلاق زیست محیطی، هم عدالت محیطی و هم زیست محیطی در برگیرنده یک نظام جامع اخلاقی هستند که در آن نگرانی اخلاقی برای افراد جامعه شامل یک نگرانی برای بخش‌هایی از محیط زیست خود می‌باشد که برای زندگی و رفاه خویش به آن وابسته‌اند(8). اگر چه آنها تمرکز مشترکی بر موضوعاتی نظیر محیط، محیط زیست و عدالت زیست محیطی دارند اما در گسترش و توسعه دغدغه‌های اخلاقی و انصاف تفاوت‌هایی دارند. به این معنا که دغدغه اصلی در رهیافت‌های عدالت محیطی محدود به اخلاق انسانی است، در حالی‌که حیطه عدالت زیست محیطی گسترده‌تر بوده و دغدغه‌های اخلاقی طبیعت غیرانسانی را نیز مدنظر دارد(9). عدالت زیست محیطی به سمت نهادینه کردن اخلاق در مورد حیوانات، دیگر موجودات زنده، زیست بوم‌ها و دیگر نظام‌ها گسترش یافته است (13).

در موافقت با قلمرو اخلاقی گسترده‌تر عدالت زیست محیطی، باید توجه داشته باشت که این مفهوم دارای پیامدهایی برای رفاه حیوانات می‌باشد. توزیع عادلانه محیط طبیعی، از دغدغه‌های موجود در زمینه بیان رفتار طبیعی که مشخصه اصلی کشاورزی ارگانیک است حمایت می‌کند(17و8). این نکته حائز اهمیت است که ترویج اخلاق در مورد حیوانات، موجودات زنده و زیست بوم‌ها به این معنا نیست که آنها به لحاظ اخلاقی مهم‌تر از انسان‌ها و یا افراد دیگر هستند.

عدالت در عدالت زیست محیطی

در نظریه‌های سیاسی، عدالت به‌عنوان توزیع عادلانه کالاهای اجتماعی تعریف شده است. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به‌گونه‌ای شایسته اداره شود تا مردم در فضایی عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، بی تردید تأمین‌کننده این فضای عادلانه خواهد بود.(18).

در یک تحقیق انجام شده، سه مفهوم به رسمیت شناختن، توزیع برابر و رویه های مشارکتی به‌عنوان مفاهیم عدالتی ارائه شده‌اند(11). در عدالت محیطی مبتنی بر «توزیع برابر»[11]، مفهوم عدالت فقط متمرکز بر توزیع پول و یا رفاه نیست بلکه تمرکز اصلی برروی توزیع کیفیت محیط زیست، عدم تحمیل آسیب و صدمات به آن و دسترسی به فرصت‌های یکسان در رابطه با محیط زیست می‌باشد(9). عدالت به‌عنوان «به رسمیت شناختن»[12] به معنای برخورداری از حقوق برابر و مالکیت به محیط و به رسمیت شناختن ارتباط بین جامعه و مکان است. عدالت به مثابه «مشارکت»[13] مستلزم آن است که افراد و جوامع به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، توجه داشته باشند و در آن محیط رویه‌های دموکراتیک برای مشارکت در زمینه‌هایی نظیر بی‌عدالتی‌های زیست محیطی و تصمیم‌گیری‌های ضروری وجود داشته باشد(11).

اجزاء سه گانه مفهوم عدالت را می‌توان به خوبی برای درک عدالت زیست بوم‌ها به‌کار گرفت. اما از دیدگاه اخلاقی، تعدادی از نکات مهم وجود دارد. اولین نکته این است که مسئولیت‌پذیری اخلاقی به موجودات خودآگاه محدود می‌شود. در چارچوب اخلاق محیطی، باید میان عوامل اخلاقی انسانی که قادر به انجام اقدام اخلاقی ، قبول مسؤولیت‌های اخلاقی و موضوعات اخلاقی هستند و دیگر افراد تمایز قائل شد. حیوانات و زیست بوم‌ها نمی‌توانند به‌عنوان عوامل اخلاقی تلقی شوند. اما انسان‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها می‌توانند عوامل اخلاقی باشند(17و 14).

نکته مهم دوم ان است که بیشتر از عدالت زیست محیطی توزیع و گسترش خطرات و گزینه‌های شناخته شده حائز اهمیت است. اول از همه، زیست بوم گرایی مستلزم آن است که موجودات به لحاظ اخلاقی فرصت کافی برای حیات، رشد و بالندگی همزمان با محیط طبیعی را داشته باشند(13). به رسمیت شناختن این موجودات و هویت‌های آنان کاملاً متفاوت با ایده‌های توزیعی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

عدالت است. دوم این که، تنوع قابل‌توجه موجودات، امکان اعمال سیاست‌های توزیعی عقلانی قابل مدیریت، را فراهم می‌کند (18).

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت که عدالت زیست محیطی ناظر به سوگیری های ضروری در ارتباط با مسئولیت پذیری اخلاقی و مشارکت در تصمیم گیری‌های مرتبط با محیط زیست است. در شرایطی که موجودات زنده، و سیستم های اجتماعی می‌تواند از عوامل ترویج اخلاق باشند، گسترش یافتن دامنه عدالت و انصاف به سوی حیوانات، سیستم‌ها و سایر موجودات زنده ، وجود تفاوت‌های اخلاقی در نزد افراد، حیوانات و گیاهان و نیز ظرفیت‌های مختلف برای مشارکت در زمینه‌های اخلاقی همگی نشان دهنده آن است که باید به شکلی متفاوت رفتار شود.

چالش‌های کشاورزی ارگانیک: کالاگرایی[14]، پیامدهای خارجی و تجارت از راه دور

عدالت زیست محیطی یک مفهوم چالشی در ارتباط با توسعه ساختاری، فنی و جهانی کشاورزی ارگانیک می‌باشد. به‌طور اخص، عدالت زیست محیطی می‌تواند از جنبه‌های کالایی گرایی عامه مردم، پیامدهای خارجی و هزینه‌های اجتماعی – محیطی، تحارت از راه دور و مالکیت در طول جهانی شدن با روندهای جاری مرتبط باشد.

رویکرد کالایی گرایی عامه مردم می‌تواند منجر به پیامدهایی نظیر بهره برداری نامناسب محیط و بی‌عدالتی زیست محیطی از طریق تضعیف نظام های پایدار متداول و اثرات منفی بر روی بهره‌گیری از فرصت‌های زندگی برای ساکنان محیط گردد. موضوعات پیامدهای خارجی و تجارت از راه دور ممکن است به مسائل کالایی شدن اضافه شوند اما آنها ممکن است به تنهایی نیز مساله ساز باشند. این مفهوم امروزه در یک گستره بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد که شامل جنگل‌ها، منابع آبی، سواحل ماهیگیری و ... می‌باشند(20و 19).

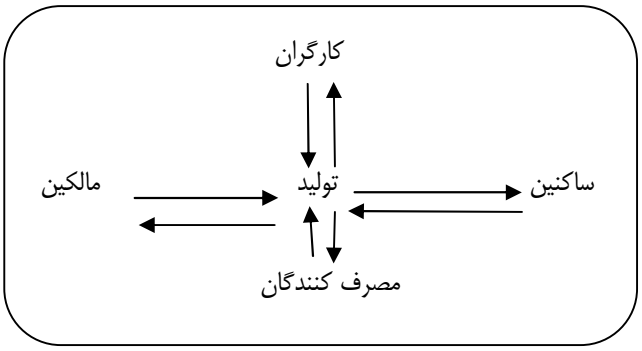
اصطلاح پیامد خارجی، یک اصطلاح خارجی است که به هزینه های تولید اشاره دارد که در بازار پرداخت نمی‌شوند. با توجه به مقوله عدالت زیست محیطی، پیامدهایی خارجی می‌توانند به سه شکل (اثرگذاری محلی بر زندگی شغلی روز مره مردم، مکان یابی آسیب‌های محیطی از قبیل مکان‌های تخلیه زباله، صنایع مضر، صادرات زباله و جهانی شدن صدمات محیطی از قبیل تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه اوزون، آلودگی جهانی محیط زیست با فلزات سنگین و دیگر مواد مضر دائمی) به محیط طبیعی و زیست بوم‌ها آسیب برسانند(21). کالایی گرایی سیستم‌های غذایی یک منبع رایج از پیامدهای خارجی می‌باشد. هزینه‌های بیرونی کشاورزی نظیر هزینه‌های تنوع زیستی و آلودگی اغلب ناشی ازاقدامات کشاورزی بر مبنای تولید اقتصادی کشاورزی می‌باشد. تلاش برای رشد روزافزون فروش در بازار محصولات کشاورزی از دیگر هزینه‌های بیرونی تلقی می‌شوند. موسسات و سازمان‌های فراملی[15] قوانینی وضع می‌کنند که در قالب آن‌ها، تولیدات کشاورزی به منظور جلوگیری ویاکاهش پیامدهای بیرونی مورد کنترل دقیق قرار می‌گیرند (17). در یک مطالعه میدانی 4 راهکار را برای اعمال تنظیم بازار برمبنای توسعه پایدار ارائه شده است(22). برچسب های زیست محیطی روی کالاها، تغییر مالیات‌ها، تغییر یارانه‌ها و مجوزهای قابل مبادله. تغییر مالیات‌ها، تغییر یارانه‌ها و مجوزهای قابل مبادله ابزاری اقتصادی برای درونی نمودن هزینه‌های بیرونی در بازار می‌باشند که می‌توانند پیامدهای خارجی را کاهش و درآمدی ایجاد نمایند که می‌تواند برای پرداخت هزینه‌های خارجی استفاده شود. صدور گواهی‌های استاندارد زیست محیطی برای تولیدات کشاورزی ممکن است به‌عنوان راه کاری برای تحقق بخشیدن به عدالت زیست در تجارت از راه دور و یا نظام‌های غیر محلی غذایی در سطوح منطقه ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند (23). ایده محلی گرایی هنوز هم نقش عمده ای در نهضت ارگانیک داشته و دارد. طرح های اولیه و پیشگام کشاورزی که در نهایت به کشاورزی ارگانیک منجر شدند، عمدتا نظام های محلی بودند که تمرکز اصلی آنها بر خاک زنده و اهمیتش در تولیدات کشاورزی بود. نظام‌های کشاورزی محلی با توجه به روابط نزدیک میان مالکان، کارگران و مصرف کنندگان شناسایی می‌شوند (نگاره1).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

در نظام‌های محلی که برای خودکفایی طراحی شده اند، مالکان، کارگران، مصرف کنندگان، افراد یکسانی تلقی می‌شوند (17).

محیط محلی



نگاره1. نظام‌های غذایی محلی (17)

در ارتباط با واژه های «دوری» و «نزدیکی» مراحل زیادی در دامنه بسیار محلی تا نظام‌های بین‌المللی وجود دارد. محلی‌گرایی و مبادلات بازار، گام اول است. در این زمینه تبادلات بازار خود یک فاصله معرفی می‌کند چرا که بازار خود مشوق‌های بسیارقوی در مورد تعدیل هزینه های بیرونی زیست محیطی و اجتماعی ارائه می‌کند. لذا اغلب پیامدهای بسیار ضعیفی برای بازارهای محلی دارد به این دلیل که مردم به خوبی آگاه هستند که چگونه محصولات محلی ارائه می‌شوند. آنها می‌توانند محصولات را به‌طور مستقیم ببینند و تجربه نمایند و بنابراین دارای کانال‌های ارتباطی دیگری غیر از بازار می‌باشند. نمونه‌های این نوع نظام‌های غذایی محلی هنوز هم در برخی کشورهای در حال توسعه یافت می‌شوند. این در حالی است که در کشورهای صنعتی فقط به سیستم های غذایی اصلی واکنش مثبت نشان داده می‌شود که از آن جمله می‌توان به کشاورزی جامعه محور، نهضت توزیع غذا و کشاورزی زیست محیط محور اشاره نمود(18).

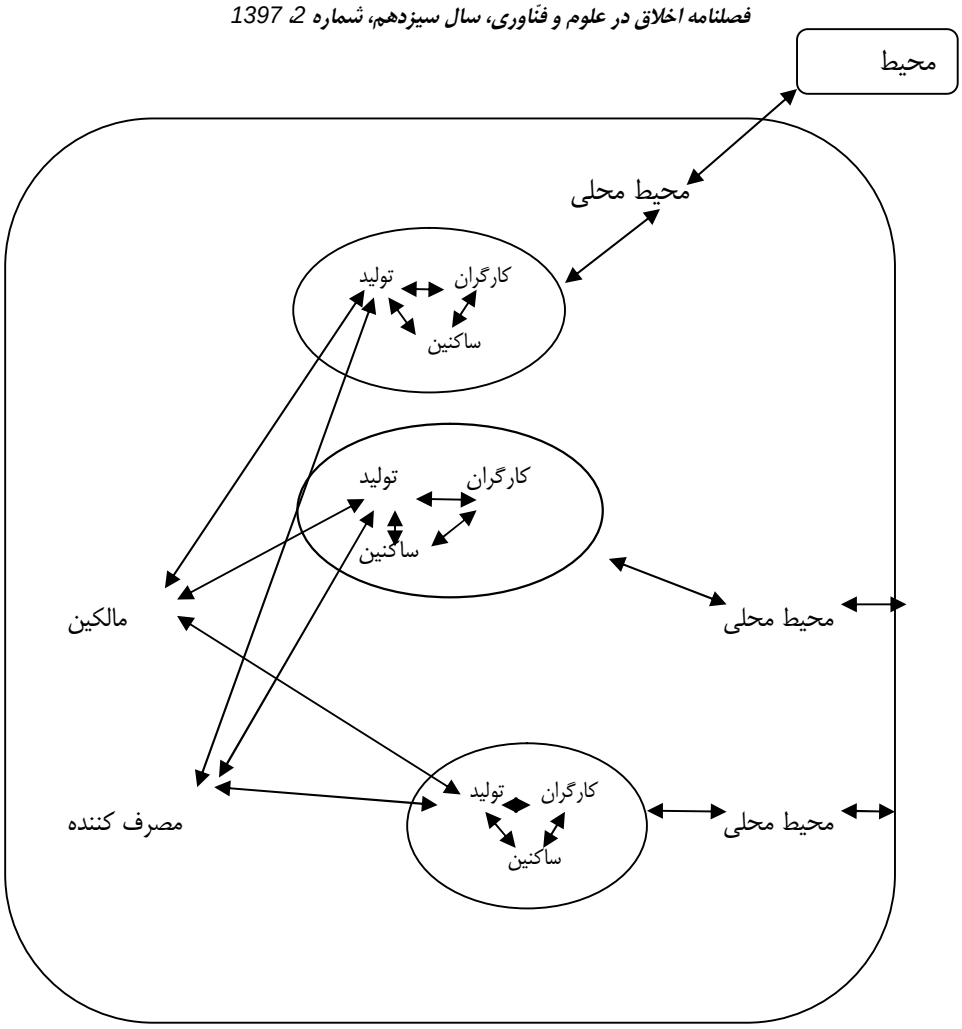
رفع موانع تجارت از راه دور و مالکیت‌های خصوصی همگام با جهانی شدن به افزایش نظام‌های غیرمحلی منجر شده است (نگاره2). در تجارت بین‌المللی، مصرف کنندگان به لحاظ فیزیکی فاصله زیادی با مراکز تولید دارند و به‌طور طبیعی، مالکان هم از محصول دور می‌باشند و محصولات تولیدی از طریق عوامل واسطه و تجهیزات مختلف در دنیا جابجا می‌شوند و کشاورزی مدرن بر محیط‌های بین‌المللی همانند محیط‌های محلی به دلیل رشد فن‌آوری و افزایش نهاده‌هاو سطوح گسترده تولید تأثیرگذاشته‌اند (24). کشاورزی متعارف، از اقتصاد جهانی جدایی ناپذیر است. روش‌های زیادی وجود دارند که در آنها فعالیت‌های کشاورزی و ستاده‌های آن با توجه به الزام‌های مربوط به جهانی شدن صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به فن‌آوری، بازارها، حمل و نقل بین‌المللی، فعالیت شرکت های چند ملیتی اشاره نمود. مرکز و شالوده این جریان، نقش تجارت بین‌الملل به‌عنوان محرک کالایی‌گرایی ارزش‌های محیطی و اجتماعی، منابع و خدمات می‌باشد(25 و 11).

اعمال عدالت زیست محیطی در فعالیتهای ارگانیک

چندین روش مختلف وجود دارند که در آنها، نهضت ارگانیک می‌تواند ایده عدالت زیست محیطی را در ارتباط با تولید و تجارت ارگانیک اجرا نماید از آن جمله می‌توان به کشاورزی ارگانیک گواهی شده، کشاورزی ارگانیک گواهی نشده و نیز کشاورزی ارگانیک به‌عنوان بدیل کشاورزی متعارف اشاره نمود. هنگام ارزیابی مزایای بالقوه و مشکلات رشد جهانی کشاورزی ارگانیک در ارتباط با مؤلفه‌های عدالت زیست محیطی نیاز اساسی به تشخیص تفاوت کشاورزی ارگانیک تأیید شده و تأیید نشده احساس می‌شود. محصولات ارگانیک تأیید شده با محصولات متعارف در بازارهای منطقه ای و جهانی رقابت می‌کنند، با این وجود سطوح تولید ارگانیک معمولا پایین تر از حد معمول می‌باشد و بر اساس انتخاب مصرف کننده و قیمت‌های تعیین شده می‌باشند. کشاورزی ارگانیک تأیید نشده یک اصطلاح برای نظام‌های کشاورزی است که براساس مؤلفه‌ها و اقدامات مشابه کشاورزی ارگانیک قرار دارند اما برای بازار مصرف محلی بر مبنای روابط نزدیک هدف گذاری شده‌اند. این محصولات مناسب فروش و بازارهای از راه دور نیستند(26).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]



نگاره2. نظام‌های غذایی غیر محلی (11)

گواهینامه‌های ارگانیک

شناسایی محصولات ارگانیک از طریق ارائه برچسب های زیست محیطی به شکل گیری گزینه‌های متعدد در بازار منجر می‌شود و به مصرف کننده کمک می‌کند که بر مبنای سلیقه خویش خرید نماید. با این وجود چالش‌های مهمی در مورد اجرای عدالت زیست محیطی و کشاورزی ارگانیک تأیید شده وجود دارد. اول این که، همه محصولات تجاری ارگانیک نیازمند تأیید به‌وسیله سازمان تجارت جهانی می‌باشند و بر آن اساس محصولات ارگانیک از محصولات غیر ارگانیک متمایز می‌شوند. هنگامی‌که محصولات ارگانیک در بازار با دیگر محصولات رقابت می‌کنند، آنها شرایط اقتصادی متفاوت و فشارهایی را در بازار آزاد وجود دارد را تجربه می‌کنند(27، 24).

به‌طور اخص، فشارهایی برای مخفی نمودن اطلاعات در فرایند تولید و عدالت زیست محیطی بدون پیش زمینه واقعی وجود دارد. فشارهایی که در مقابل اهداف حمل و نقل در تجارت تأیید شده عمل می‌کنند. این سازوکارها بدون نگرانی از فرایند تولید توسط اهداف بین المللی رقابت آزاد، اعمال می‌شوند. یک تهدید واقعی آن است که ممکن است این فشارها، اساس و پایه کشاورزی ارگانیک را ریشه کن نماید. نگرانی دیگر این است که بازارهای جهانی معمولا ناپایدار هستند و بر روی کاهش امنیت سرمایه‌گذاری کشاورزی اثرگذار هستند. مشخصه این بازارها آن است که دادو ستدهای بزرگ مقیاس را جایگزین مزارع کوچک مقیاس می‌نمایند (24).

اصول و استانداردهای تولید کشاورزی در پاره‌ای از مواقع، جنبه‌هایی از عدالت اکولوژیک را برای ساکنین محلی، دام‌ها، تنوع زیستی و حیات وحش را به مرحله اجرا در می‌آورد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

پیامدهای محیطی خارجی مرتبط با فرایند توزیع کالا، کمتر استانداردها را رعایت می‌کنند. یک مسأله کلیدی مرتبط با جهانی شدن کشاورزی این است که حمل و نقل کالاهای ارگانیک تولید شده و پیامدهای خارجی مرتبط با آن، تحت پوشش نیستند. با این وجود باید اذعان داشت که هدایت رشد کشاورزی ارگانیک به دلیل ناهمگونی و ماهیت پویای آن به تنهایی از توسط راه‌های استاندارد امکان پذیر نیست(25). آرمان‌های عدالت زیست محیطی نیازمند تطابق با معیارهای نهضت ارگانیک می‌باشد. اصولی که به‌طور واضح به‌عنوان آرمان‌های عدالت زیست محیطی مطرح شدند، می‌توانند به‌عنوان راهنمای فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک تأیید نشده، قلمداد شوند(28).

تجارت عادلانه و ارگانیک و روش های کشاورزی ارگانیک تأیید نشده[16]

اجرای عدالت زیست محیطی شامل سوالات متعدد در زمینه کالایی گرایی عامه مردم است که یک چالش اساسی برای نظام‌های مبتنی بر بازار می‌باشد و لذا به‌طور عام عدالت تحت عناوین شناخت، توزیع و شراکت با محیط زیست مشترک تعریف می‌شود. امروز شناخت گسترده‌ای از چگونگی زندگی مسالمت‌آمیز دام‌ها و حیوانات با محیط طبیعی در کشاورزی ارگانیک وجود دارد. برای انسان‌ها برخی ملاحظات اجتماعی و نه همه آنها، در استانداردهای ارگانیک رعایت شده‌اند. تأیید تجارت های مبتنی بر عدالت یک نمونه شناخته شده از اشکال جایگزین تجارت است که دارای پتانسیل فعالیت در شبکه‌های غذایی جهانی در ارتباط با تجارت از راه دور است که به سمت مؤلفه‌های عدالت زیست محیطی حرکت می‌کند. تجارت عادلانه بیشتر به سمت شرایط اجتماعی و هزینه های تولید سوق پیدا می‌کند اما فاقد ملاحظات زیست محیطی می‌باشد(29).

ما می‌توانیم به این مساله فکر کنیم که نهضت تجارت عادلانه و ارگانیک به سادگی می‌توانند توان خود رابا ایده‌ال‌های اجتماعی و زیست محیطی ترکیب نمایند و استانداردهای آنان می‌توانند اصول عدالت زیست محیطی را به کار گیرند. علاوه بر این باید توجه داشت که تجارت عادلانه تمرکز بیشتری بر روی جنبه‌های سنتی عدالت اجتماعی دارد و لذا نمی‌تواند همه جنبه‌های اجتماعی مکمل را در زمینه عدالت زیست محیطی که بر پایه رعایت انصاف در محیط‌های طبیعی استوار است را پوشش دهد. کشاورزی تأیید نشده، ممکن است به‌عنوان راه حل جایگزین برای رسیدن به امنیت غذایی پایدار زیست محیطی، توصیه شود. رهیافت‌های کشاورزی مبتنی‌بر ارزش‌ها و اصول کشاورزی پایدار و یا ایده های کشاورزی پایدار کم نهاده که به‌عنوان نظام‌های ارگانیک تأیید نشده به حساب می‌آیند، جایگزین مناسبی برای کشاورزی با نهاده های بالا، تجاری و انقلاب سبز در تامین امنیت غذایی پایدار هستند (6). ضمن این که این نظام ها بیشتر معتقد به رعایت عدالت زیست محیطی هستند و هزینه های زیست محیطی کمتری را به دنبال دارند(30). حتی آنها ممکن است بیشتر از کشاورزی ارگانیک تأیید شده با اصول ارگانیک تناسب داشته باشند. در حال حاضر، افق های جدیدی تحت عناوین توسعه اجتماعات زیست محیطی تأیید نشده وکشاورزی ارگانیک جامعه - محور فراروی کشاورزی ارگانیک قرار دارد که همگی آنها متعهد به رعایت عدالت زیست محیطی در فعالیت‌های خویش هستند(8). تحقق وعده های داده شده در قالب شیوه های محلی نیازمند حمایت از توسعه تحقیقات مشارکتی و خدمات ترویجی است که اهداف پایداری و عدالت زیست محیطی را مد نظر قرارمی دهند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش عدالت زیست محیطی در مواجه شدن با چالش‌های کشاورزی ارگانیک مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین سوالاتی که مورد توجه بودند عبارت بودند از اینکه: معنا و مفهوم عدالت زیست محیطی چیست؟ چگونه می‌توان عدالت زیست محیطی را در ارتباط با تولید و تجارت ارگانیک به کار برد؟ و چگونه کشاورزی ارگانیک در یک چشم‌انداز بین‌المللی با عدالت زیست محیطی در هم می‌آمیزند. در این مطالعه سه چالش اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت: کالایی‌گرایی عامه مردم، محیط خارجی و هزینه‌های اجتماعی که در بازارهای مصرف، تجارت از راه دور و نظام مالکیت غذایی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

ارگانیک به حساب آورده نمی‌شوند. ایده عدالت زیست محیطی را می‌توان در سه راه با استفاده از کشاورزی ارگانیک ترویج نمود: به وسیله اجرای کامل عدالت زیست محیطی در صدور استانداردهای گواهینامه های ارگانیک و توسعه تجارت عادلانه ارگانیک، با تشویق کشاورزی بدون گواهینامه استاندارد به رعایت اصول ارگانیک به‌عنوان راهبرد جایگزین در نزد جوامع محلی و امنیت غذایی، و بوسیله حمایت از کشاورزی ارگانیک به‌عنوان یک نمونه جایگزین جهت اجرای وسیع عدالت زیست محیطی در کشاورزی و جامعه.

عدالت زیست محیطی به معنی به رسمیت شناختن ارزش هایی یک محیط برای همه موجودات است. محیط تنها از انسان ها تشکیل نشده، بلکه در بر گیرنده طبیعت غیرانسانی با تمام تنوع و فراوانی آن، حیوانات و گیاهان، چشم اندازها و زیست بوم‌ها می‌باشد.

کشاورزی ارگانیک تأیید شده، یک شکل ثابت سازمانی برای اجرای آرمان های زیست محیطی (و در نتیجه عناصر عدالت زیست محیطی) در سیستم‌های جهانی غذایی است. اما استانداردهای کنونی هنوز هم با چالش های کالایی‌گرای عامه مردم، پیامدهای خارجی و تجارت از راه دو مواجه هستند.

تولید محصولات ارگانیک تأیید شده و تجارت آنها، می‌تواند به‌عنوان نمادی از سازمان‌هایی باشند که ممکن است عدالت زیست محیطی را در یک نظام تغذیه ای از راه دور و غیر محلی رعایت نمایند. شناسایی محصولات ارگانیک از طریق ارائه برچسب‌های زیست محیطی به شکل گیری گزینه‌های متعدد در بازار منجر می‌شود و به مصرف کننده کمک می‌کند که بر مبنای سلیقه خویش خرید نماید.

با توجه به اخلاق زیست محیطی، هم عدالت محیطی و هم زیست محیطی در برگیرنده یک نظام جامع اخلاقی هستند که در آن نگرانی اخلاقی برای افراد جامعه شامل یک نگرانی برای بخش‌هایی از محیط زیست خود می‌باشد که برای زندگی و رفاه خویش به آن وابسته‌اند

صدور گواهی‌های استاندارد زیست محیطی برای تولیدات کشاورزی، ممکن است به‌عنوان راه کاری برای تحقق بخشیدن به عدالت زیست در تجارت از راه دور و یا نظام های غیر محلی غذایی در سطوح منطقه‌ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند.

در حال حاضر افق‌های جدیدی تحت عناوین توسعه اجتماعات زیست محیطی تأیید نشده، کشاورزی ارگانیک جامعه محور فراروی کشاورزی ارگانیک قرار دارد که همگی آنها متعهد به رعایت عدالت زیست محیطی در فعالیتهای خویش هستند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

1. Organic agriculture — کشاورزی ارگانیک
2. The international federation for organic agriculture Movement — فدراسیون بین‌المللی جنبش کشاورزی ارگانیک
3. Justice — عدالت
4. Ecological Justice — عدالت زیست محیطی
5. Sustainability as food sufficiency — پایداری به مثابه کفایت تغذیه
6. Sustainability as stewardship — پایداری به مثابه نظارت
7. Sustainability as Community — پایداری به مثابه جامعه
8. Self –Reliance — خوداتکایی
9. Holism — تواضح
10. Functional integrity — یکپارچگی کارکردی
11. Justice as equable distribution — عدالت مبتنی‌بر توزیع برابر
12. Justice as recognition — عدالت مبتنی‌بر به رسمیت شناختن
13. Justice as participation — عدالت مبتنی‌بر مشارکت
14. Co modification of Commons — کالایی گرایی
15. Ultra national organizations — سازمان‌های فراملی
16. Non- Certified organic farming — روش‌های کشاورزی ارگانیک تاییید نشده

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

14.Bell D. (2004). Environmental justice and rawls' difference principle. Environ-Mental Ethics; 26: 287-306.

15.Sayedi A, Paknejad E. (2016). The relationship between producers moral standards with consumer's behavior. Ethics in Science & Technology; 10(2): 1-12. (In Persian).

16.Haen H. (2000). Producing and marketing quality organic products: Opportunities and challenges. Germany: Proceedings of the Sixth IFOAM Trade Conference. International federation of organic agriculture movements. Available online at: http:// www. FAO. Org/organic g/doc/IFOAM. Html. Accessed: 8 Oct 2017.

17.Alroe HF, Kristensen ES. (2003). Toward a systemic ethic: In search of an ethical basis for sustainability and precaution. Environmental Ethics; 25(1): 59-78.

18.Cone CA, Myhre A. (2001). Community-supported agriculture: a sustainable alternative to industrial agriculture? Human Organization; 59: 187-97.

19.Jonas H. (1984). The imperative of responsibility: In search of an ethics for the technological age. Chicago: University of Chicago Press.

20.The Ecologist. (1993). Whose common future? Reclaiming the commons. London: Earth Scan Publications.

21.Volger J. (1995). The global commons: A regime analysis. UK: John Wiley and Sons.

22.Thompson PB. (1996). Sustainability as a norm. Journal of the Society for Philosophy and Technology; 2(2): 75-94.

23.Alroe HF, Kristensen ES. (2004). Why have basic principles for organic agriculture? And what kind of principles should they be? Ecology & Farming; 36: 27–30.

24.Davidson L, Agudelo, D. (2004). The globalization that went home: Changing world trade patterns among the G7 from 1980 to 1997. Available at: http:// www.bus.indiana.edu/ciber/research.cfm. Accessed: 18 Jul 2016.

25.Alroe HF, Kristensen ES. (2005). Organic agriculture in a global perspective. Available online at http:// orgprints.org/3855. Accessed: 15 Jul 2016.

26.Douglass GD. (1984). The meanings of agricultural sustainability. Boulder: Westview Press, Colorado.

Reference

1. Razeghi M, Shaabanali Fami H. (2011). Mechanisms of improve management of fertilizer use in Iran. Tehran: Iranian Fertilizer Challenges Congress: Half a Century of Fertilizer Use. (In Persian).

2. Abedi AS. (2014). Environmental ethics of extension agent. Ethics in Science & Technology; 9(3): 1-9. (In Persian).

3. Abedi AS. (2015). Explanation of agriculture ethics. Ethics in Science & Technology; 10(1): 73-84. (In Persian).

4. Azkia M, Emani A. (2012). Sustainable rural development. Tehran: Etelaat Press. (In Persian).

5. Ras PJ, Vermeulen, WJ. (2009). Sustainable production and the performance of south African entrepreneurs in a global supply chain: The case of south African table grape producers. Sustainable Development; 17: 325-340.

6. Rigby D, Bown S. (2003). Organic food and global trade: Is the market delivering agricultural sustainability? UK: University of Manchester.

7. DARCOF. (2000). Principles of organic farming: Discussion document prepared for the DARCOF users committee. Available at: http//www. Darcof.dk/discuss/principles/pdf. Accessed: 8 Oct 2017.

8. Lund V, Anthony R, Rocklinsberg H. (2004). The ethical contract as a tool in organic animal husbandry. Journal of Agricultural and Environmental Ethics; 17(1): 23 – 49.

9. Low N, Gleeson B. (1998). Justice, society and nature: An exploration of political ecology. London and New York: Routledge Publication.

10.Byrne J, Glover L, Martinez C. (2002). Environmental justice: Discourses in international political economy. London: Transaction Publisher, New Brunswick.

11.Schlosberg D. (2003). The justice of environmental justice: Reconciling equity, recognition and participation in a political movement. Cambridge: MIT Press.

12.Valentin A, Spangenberg JH. (2000). A guide to community sustainability indicators. Environmental Impact Assessment Review; 20: 381-392.

13.Baxter B. (2005). A theory of ecological justice. London and New York: Routledge Publication.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]

27.Brown LR. (2002). Restructuring the economy for sustainable development. Inter- national Review for Environmental Strategies; 3(1): 73-80.

28.Goodpaster KE. (1979). From egoism to environmentalism: ethics and problems of the 21 st century. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.

29.Raynolds LT. (2000). Re-embedding global agriculture: The international organic and fair trade movements. Agriculture and Human Values; 17: 297-309.

30.Scialabba N, Hattam C. (2002). Organic agriculture, environment and food security. FAO, Rome: Environment and Natural Resources Service, Sustainable Development Department.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1397.13.2.4.8]